

فمنیست مشهور یا مأمور سیا؟!

فاش شدن مأموریت «گلوریا استاینم» پس از مرگش نشان داد واقعیت فمینیسیم نه دفاع از حقوق زنان بلکه پوششی برای سوءاستفاده از این قشر است

گزارش
زهرآچندری

خبری که جهان و به خصوص جهان طرفداران فمینیسیم را در شوک فرو برد! پس از مرگ گلوریا استاینم، فمینیسیت مشهور فاش شد که او مأمور سیا بوده و برای بنیاد راکفلر و پیل ارلیش کار می‌کرد تا طرحی را برای نابودی هسته خانواده به عنوان بخشی از برنامه بزرگ تر کاهش جمعیت برای فروپاشی تمدن اجرا کند! در واقع استاینم، «فمینیسیت رادیکال» محبوب ساختار حاکم، با سازمان سیا همکاری کرد تا تبلیغاتی از تجاعسی را ترویج دهد و به هدایت جنبش آزادی زنان به مسیری سازگار با منافع شرکت‌ها و ضدسوسیالیستی کمک کرد.

■ ■ ■ ■

واقعیت فمینیسیم اگر چه با تضییع حقوق زنان در ظاهری متفاوت آمیخته شده و تاریخ این جنبش شاهد ظلم‌های بزرگ به زنان با بزرگ دفاع از حقوق زن بوده، اما ماجرای گلوریا استاینم یک بار دیگر از ماهیت واقعی این جنبش پرده برداشت و نشان داد جنبش فمینیسیم نه حرکتی برای دفاع از حقوق زنان بلکه پوششی برای پیشبرد اهداف سیاسی و اقتصادی دنیای لیبرال غرب و سوءاستفاده بیشتر از زنان برای رسیدن به چنین مقاصدی است. همچنانکه چهره‌های مشهور این جنبش همچون گلوریا استاینم بیشتر از آنکه یک مبارز برای دفاع از حقوق زنان باشد، یک مأمور کارکنه سیا بوده که با دریافت بودجه از این سازمان، در راستای پیشبرد اهداف آن ارائه خدمت می‌کرده و در این میان زنان و حق و حقوق آنها برایش کمترین ارزشی نداشته است. همچنانکه در طول سال‌های اوج محبوبیتش به عنوان فمینستی تأثیر گذار هم با نوشتن مقاله‌ای در دفاع از بیل کلینتون او را از اتهام‌های جنسی‌اش تبرئه کرده بود، مقاله‌ای که در همان زمان مورد انتقاد قرار گرفت، او کار جریان حامی استاینم همچنان او را در اوج نگه داشت و تا زمان مرگش هویت اصلی و مأموریت او را برای نابودی هسته خانواده و برنامه کاهش جمعیت پنهان نگه داشت.

■ گلوریا استاینم که بود

استاینم که ۲۵ مارس ۱۹۳۴ در تولدو، ایالت اوهایو به دنیا آمد از چهره‌های شاخص «فمینیسیم موج دوم» و از پیشگامان جنبش زنان در امریکا در دهه ۱۹۶۰ بود. او کار حرفه‌ای خود را به عنوان روزنامه‌نگار آزاد در نیویورک آغاز کرد و نقطه عطف فعالیتش در سال ۱۹۶۳ رقم خورد، زمانی که برای مجله شو در پوشش پیشخدمت باشگاه‌های پلی‌بوی کار کرد. گزارش افشاگرانه او شرایط کاری زنان در باشگاه‌های هیو هفتر را بر ملا کرد.

در سال ۱۹۶۸، استاینم از مؤسسان مجله نیویورک بود؛ جایی که به عنوان دبیر و نویسنده سیاسی کار می‌کرد. او سال‌ها بعد مقاله‌ای با عنوان «پس از قدرت سیاسی، سایهان، رهایی زنان» منتشر کرد؛ مطلبی که برایش توجه سراسری به همراه آورد و او را در جایگاه یکی از رهبران فمینیسیتی قرار داد.

استاینم سپس زندگی خود را وقف مبارزه برای آزادی‌های تولیدمثل و پیشگیری از خشونت خانگی، همچنین نابرابری‌های جنسیتی در محیط کار و سیاست کرد.

او در سال ۱۹۷۱ همراه با دیگر فعالان، بلا آیزوگ، بتی فریدن و شرلی چیزهولم، در تأسیس «کمیته ملی سیاسی زنان» (NWPC) مشارکت کرد؛ نهادی که هدفش افزایش حضور زنان در سیاست بود.

او سخنرانی معروف «خطاب به زنان امریکا» را ایراد کرد؛ سخنرانی‌ای که بیش از همه با این بخش به یاد آورده می‌شود: «این یک اصلاح ساده نیست؛ در واقع یک انقلاب است. جنسیت و نژاد، چون تفاوت‌هایی آسان و قابل مشاهده‌اند، مهم‌ترین ابزار برای تقسیم انسان‌ها به گروه‌های فرادست و فرودست و تبدیل آنها به نیروی کار ارزان بوده‌اند؛ نیروی کاری که این نظام هنوز به آن وابسته است. ما از جامعه‌ای صحبت می‌کنیم که در آن هیچ نقشی جز آنچه انتخاب یا کسب شده وجود نخواهد داشت؛ ما در واقع داریم از انسان‌گرایی حرف می‌زنیم.»

یک‌سال بعد او هم‌بنیانگذاران مجله «ام.اس.» شد؛

نشریه‌ای که به یکی از نمادهای جنبش فمینیسیتی تبدیل شد و موضوعاتی چون خشونت خانگی، آزار جنسی و سقط جنین را به جریان اصلی رسانه‌ای آورد. خود استاینم در سال ۱۹۵۷ سقط جنین کرده بود، زمانی که این کار هنوز غیرقانونی بود؛ موضوعی که او تنها در سال ۱۹۶۹ به طور علنی فاش کرد.

استاینم در ادامه سازمان‌های دیگری از جمله «بنیاد ام.اس برای زنان» و «مرکز رسانه‌ای زنان» را نیز بنیان گذاشت.

در کنار همه این فعالیت‌های پوششی، اما استاینم یک مأموریت ویژه داشت، مأموریتی که واقع ماهیت اصلی و هویت واقعی او بود، اما او توانست سالیان سال این هویت را زیر لوای پرچم فعال فمینستی و با شعار حمایت از حقوق زنان پنهان کند. هر چند در همان دوران فعالیت‌ها هم گاهی وقت‌ها اغراض و اهداف شخصی‌اش آشکار می‌شد. درست مانند مقاله‌ای که در سال ۱۹۹۸ برای حمایت از بیل کلینتون در برابر اتهام آزار جنسی نوشت و انتقادهایی را برانگیخت. او در سال ۱۹۹۸ به دلیل مقاله‌ای در نیویورک تایمز با واکنش‌های انتقادی روبه‌رو شد؛ مقاله‌ای که در آن از بیل کلینتون، رئیس‌جمهور وقت امریکا در برابر اتهام‌های آزار جنسی دفاع کرده بود. استاینم در این متن نوشت: «او به آزار جنسی متهم نیست، فقط یک حرکت زننده، احقانه و بی‌محابا نسبت به یکی از حامیانش در دوره‌ای دشوار از زندگی او انجام داده است.»

ماهیت دیگر فعالیت‌های استاینم هم با اگر و اماهای متعددی همراه بوده است.

استاینم زمانی در صحنه ظاهر شد که جنبش فمینیسیم پیشاپیش به پیروزی‌های چشمگیری دست یافته بود. هزاران زن از طبقه کارگر، به دلیل تبعیض جنسیتی از کارفرمایان خود شکایت می‌کردند. سقط جنین در سال ۱۹۷۰ از ایالت نیویورک قانونی شد. «اصلاحیه حقوق برابر» در سال ۱۹۷۱ در مجلس نمایندگان و در مارس ۱۹۷۲ در مجلس سنا تصویب شد و بلافاصله پس از آن ۱۲۲ ایالت نیز آن را تصویب کردند.

■ ظهور مجله Ms.

استاینم که در آن زمان نویسنده‌ای حرفه‌ای برای مجلات و ۳۷ ساله بود، با توجه به بازاری که رادیکال‌ها از قبل به وجود آورده بودند، با کلی فکر، سردبیر مجله نیویورک خود را به عنوان روزنامه‌نگار آزاد در نخستین شماره در دسامبر ۱۹۷۱ به صورت بخشی ضمیمه‌شده به مجله نیویورک منتشر شد در ژوئیه ۱۹۷۲ نیز انتشار مستقل خود را آغاز کرد. کاترین گراهام، ناشر واشینگتن پست، در آن سرمایه‌گذاری کرد و شرکت وارنر کامیونیکیشنز نیز یک میلیون دلار سرمایه در اختیار مجله گذاشت، اما در مقابل تنها ۲۵ درصد از سهام آن را درخواست کرد؛ توافقی به‌طرز غیرمعمول سخاوتمندانه.

برخی از پیشگامان جنبش آزادی زنان در ابتدای ششیدن خبر انتشار این نشریه جدید خوشحال شدند. کتی ساراچایلد از گروه رداستاکینگز که عبارت «خواهری قدرتمند است» رابداع کرده و متن بنیادین «برنامه‌ای برای افزایش آگاهی فمینستی» را در سال ۱۹۶۸ نوشته بود، گفت که در ابتدا تصور می‌کرد مجله Ms. قرار است به عنوان یک نشریه افشاگر فمینستی عمل کند و به نفع آرمان زنان، روزنامه‌نگاری تحقیقی انجام دهد، اما خیلی زود، او و دیگر بنیانگذاران جنبش آزادی زنان سرخورده شدند.

■ فمینیسیم مورد تأیید ساختار حاکم مجله Ms. در استفاده از منابع مالی بنیادهای خصوصی برای جهت‌دهی به اولویت‌های جنبش فمینیسیتی پیشگام بود.

استاینم دوست داشت جمله‌ای را از یک زن راننده تاکسی در بوستون نقل کند که به او گفته بود: «اگر مردان می‌توانستند باردار شوند، سقط جنین به یکی از آیین‌های مقدس تبدیل می‌شد.» این جمله خنده‌دار است، اما رابطه علت و معلولی ستم بر زنان را وارونه می‌کند. سیمون دو بووار، نظریه‌پرداز بنیانگذار فمینیسیم رادیکال، استدلال کرده بود که زنان به این دلیل تحت ستمند که کار تولیدمثل را انجام می‌دهند؛ اگر مردان می‌توانستند باردار شوند، آنها جنس تحت



■ استاینم و سازمان سیا

در سال ۱۹۶۷، مجله چپ‌گرای Ramparts پرده از همان ابتدا یک پایش در ساختار حاکم بود. ابتدا با تد سورتنس، سخنرانی‌نویس جان اف. کندی رابطه داشت؛ سپس با فرانکلین توماس که کمی بعد ریاست بنیاد فورد را بر عهده گرفت و در دهه ۱۹۸۰ نیز با مورتیمر زاگرمِن، سرمایه‌گذار املاک و مستغلات.

ستم می‌بودند.

سیاست استاینم از کجا می‌آمد؟ به نظر می‌رسید او از همان ابتدا یک پایش در ساختار حاکم بود. ابتدا با تد سورتنس، سخنرانی‌نویس جان اف. کندی رابطه داشت؛ سپس با فرانکلین توماس که کمی بعد ریاست بنیاد فورد را بر عهده گرفت و در دهه ۱۹۸۰ نیز با مورتیمر زاگرمِن، سرمایه‌گذار املاک و مستغلات.

«جشنواره‌های جهانی جوانان» و ایجاد اخلاق در آنها با مطبوعات صحبت کرد. این جشنواره‌ها فعالیت خود را در جهان سوسیالیستی آغاز کرده بودند و قرار بود برای نخستین بار در سال ۱۹۵۹ در وین و در سال ۱۹۶۲ در هلستینکی به آن سوی پرده آهنین راه پیدا کنند. او به‌صورت تمام‌وقت مدیریت «سرویس مستقل اطلاعات درباره جشنواره جوانان وین» را بر عهده داشت؛ سازمانی که بعدها نامش به «سرویس مستقل پژوهش» یا IRS تغییر یافت. این نهاد مجرای برای فعالیت سازمان سیا بود و جشنواره‌ها را با تبلیغات ضد کمونیستی و طرفدار ایالات متحده پر می‌کرد. در جشنواره هلستینکی که ۱۸ هزار نفر از ۱۳۷ کشور در آن شرکت کردند، IRS روزنامه‌ای روزانه به سه زبان منتشر می‌کرد که استاینم و کلی فلکر به‌طور مشترک سردبیری‌اش را بر عهده داشتند.

یکی از انتشارات سال ۱۹۵۹ که نام استاینم بر آن درج شده بود، با عنوان مروری بر جداسازی نژادی سیاه‌پوستان در ایالات متحده، ادعا می‌کرد که مشکل تبعیض نژادی در ایالات متحده اساساً حل شده و مشکلات باقی‌مانده ناشی از وضعیت روانی سیاه‌پوستان است. در این نوشته آمده بود که میزان پایین ثبت‌نام رأی‌دهندگان به این دلیل است که «در بسیاری از مناطق جنوب، بی‌تفاوتی عمیقی در میان سیاه‌پوستان نسبت به این مسئولیت بسیار مهم شهودندی شایسته وجود دارد.»

هدف سازمان سیا این بود که با تشویق درگیری‌های خشونت‌آمیز، جشنواره‌ها را چنان پرتنش و مشکل‌آفرین کند که کشورهای میزبان از برگزاری آنها منصرف شوند. در نهایت، دو جشنواره بعدی واقعا لغو شدند، زیرا میزبانان برنامه‌ریزی شده آنها نخست الجزایر در سال ۱۹۶۵ و سپس غنا در سال ۱۹۶۶ با کودتا مواجه شدند. به گفته جان استاکول، افسر سازمان سیا، این سازمان در کودتای غنا نقش داشت. استاینم در مصاحبه‌های سال ۱۹۶۷ گفت که تأمین مالی برنامه از سوی سیا هیچ اشکالی نداشته است، او به نیویورک تایمز گفت: «این دخالت نه تنها مرا شوکه نکرد، بلکه خوشحال بودم که در آن روزگار، در دولت لیبرال‌هایی را می‌دیدم که دوران‌دیش بودند و آنقدر اهمیت می‌دادند که امریکایی‌هایی با تمام دیدگاه‌های سیاسی را به جشنواره بفرستند.» او همچنین گفت از او خواسته نشده بود درباره افرادی که در آنجا ملاقات می‌کرد، گزارش بدهد.

از آنجا که استاینم در آن زمان چهره شناخته‌شده‌ای نبود، هشت سال طول کشید تا گروه فمینیسیتی رداستاکینگز در نیویورک، پس از آنکه استاینم به‌سرعت به صف مقدم جنبش رسیده بود، این ارتباط را کشف کنند.

ردستاکینگز در سال ۱۹۷۵ گزارشی افشاگرانه منتشر کرد و در آن گفت جایگزینی کردن «استاینم و مجله Ms.» به جای «فعالان اصیل و واقعی‌ای که جنبش را آغاز کرده بودند»، شبیه دیگر عملیات سازمان سیا به نظر می‌رسد؛ عملیاتی که «سازمان‌های موازی را به وجود می‌آورد یا از آنها حمایت می‌کند تا جایگزینی برای رادیکالیسم فراهم کنند.» این گزارش همچنین خاطر نشان می‌کرد گزارشی که سازمان استاینم درباره جشنواره وین منتشر کرده بود، شامل پرونده‌های مختصری درباره دهها رهبر دانشجویی از سراسر جهان بود؛ موضوعی مغایر با ادعای او مبنی بر اینکه هرگز درباره شرکت‌کنندگان گزارش نداده است.

استاینم در ابتدا حاضر نشد به این اتهامات پاسخ بدهد، اما وقتی سرانجام پاسخ داد، بار دیگر از نقش خود و نقش سازمان سیا در جشنواره‌ها دفاع کرد. با این حال، او تلاش قابل توجهی نیز برای سرکوب استدلال‌های مطرح‌شده از سوی رداستاکینگز انجام داد. انتشارات رندوم هاوس قصد داشت نسخه‌ای عمومی و انبوه از کتاب انقلاب فمینیسیتی منتشر کند؛ کتابی که رداستاکینگز پیش‌تر به‌زین‌به خود منتشر کرده و فصلی درباره استاینم در آن گنجانده بود. استاینم رندوم هاوس را به شکایت تهدید کرد و ناشر نیز تسلیم شد و آن فصل را سانسور کرد. وکلای استاینم همچنین نشریه The Village Voice را تهدید کردند و حتی

برای تک‌تک اعضای هیئت‌مدیره «اتحادیه مستأجران کلمبیا» در نیویورک نامه‌ای تهدیدآمیز فرستادند، زیرا روزنامه این اتحادیه، The Heights and Valley News، مجموعه‌مطالبی درباره استاینم و این سانسور منتشر کرده بود.

استاینم در سال‌های اخیر تمام تظاهرهای خود به رادیکال‌بودن را کنار گذاشت. او در رقابت قدماتی حزب دموکرات در سال ۲۰۱۶، در برابر برنی سندرز از هیلاری کلینتون حمایت کرد و در مصاحبه‌ای در همان سال با برنامه Real Time With Bill Maher گفت زنان جوان فقط به این دلیل از سندرز حمایت می‌کنند که «پسرها آنجا هستند؛ پسرها طرفدار برنی‌اند.» او بعدها ادعا کرد منظورش را نادرست بیان کرده است.

■ اسطوره‌سازی رسانه‌ای از مأمور سیا

اسطوره‌سازی رسانه‌ای از استاینم در دهه گذشته به اوج خود رسید؛ با ساخت اثری تلویزیونی و نمایشی از زندگی او به نام The Glorias. نمایشنامه‌ای با عنوان Gloria: A Life و شرح‌حال‌های ستایش‌آمیزی که در نیویورک تایمز، نیویورکر و دیگر رسانه‌ها منتشر شدند.

این موج استاینم‌زدگی همزمان با دوره‌ای بود که زنان جوان سودمندی «فمینیسیم یک‌درصدی» را زیر سؤال می‌برند؛ فمینیسیمی که چهره‌هایی مانند کلینتون، مادالین آلبرایت و شرلی سندبرگ نمایندگی‌اش می‌کردند. آیا هدف جنبش آزادی زنان واقعاً این بود که شرکت‌های استثمارگر و امپراتوری خشونت‌بار ایالات متحده به دست زنان اداره شوند؟ یا دیگر استاینم را به صحنه آوردند تا بحث را به مسیرهایی بی‌خطر هدایت کنند، اما تا زمان حضورش در برنامه ماهر Maher، او دیگر صرفاً موجب بدنامی فمینیسیت‌ها می‌شد.

تیم پیشگامان جنبش آزادی زنان، بدون استناد از مدل جنبش حقوق مدنی، جنبش ضدجنگ و چپ دانشجویی بر خاسته بودند. آنها معتقد بودند که فمینیسیم منسجم و پیگیر به سوسیالیسم منتهی می‌شود و سوسیالیسم نیز به همان ترتیب به فمینیسیم می‌انجامد.

آنها با پیروی از بووار می‌خواستند عمیقاً به ریشه‌ها نفوذ کنند و استثمار زنان و ستمی را که برای حفظ آن لازم بود، از میان بردارند. آنها از دهه ۱۹۶۰ یک جنبش رادیکال حاصل کنند که خانواده‌های بزرگ را از میان کارساز نبود، آنگاه دولت باید اندازه خانواده را قانونگذاری کند و اگر فرزندان بیش از حد داشته باشند، شما را به زندان بیندازد!»

■ پرده‌ای از واقعیت جنبش‌های غربی

فعالیت‌های ضدحقوق بشری و وزدن استاینم به همین‌ها محدود نمی‌شود. بل‌فاصله پس از ۱۷ اکتبر، گلوریا استاینم با افتخار به میدان آمد تا مهر تأیید خود را بر پروپاگانداى جنایتکارانه هولوکاست تجاوز جعلی بزند تا تجاوز قتل دسته‌جمعی واقعی دختران، زنان، پسران و مردان فلسطینی را تطهیر کند. او یک مأمور سیا - مוסاد صهیونیست یهودی برتری طلب‌نشل کش بود.

گلوریا استاینم در ۹۲ سالگی در گذشت. بسیاری از منتقدان و متفکران غربی معتقدند، هیچ‌کس مانند استاینم به عنوان یک مأمور ویژه سیا با جنبش فمینیسیتی‌اش به نابودی واحد سنتی خانواده امریکایی کمک نکرده است. ماجرای استاینم فقط یک وجهه آشکارشده از اهداف پشت‌پرده جنبش فمینسیم برای ظلم آشکار به حقوق زنان و اقلیت‌ها و بخش کوچکی از ماهیت واقعی اسطوره‌های رسانه‌ای امریکایی است که به دنبال تخریب و تهدید آرامش و امنیت در جهان هستند.

کاروانی زنانه از میناب

از دور که نگاهشان کردم، لباس‌های بندری‌شان در نور چراغ‌های رواق می‌روخشید. رنگ‌های تند و گرمی داشتند؛ قرمز و نارنجی با روسری‌های حریر گل‌گل‌شان هماهنگ نبود، اما به طرز عجیبی به هم می‌آمدند. در آیینه‌های بزرگ صحن حضرت، تصویرشان چندپاره می‌شد؛ انگار چند کاروان زنانه از گوشه‌های دور جنوب، همزمان به اینجا رسیده بودند. نزدیک‌شان که رفتم، بوی دریا و خاک به مشامم رسید. سلام کردم و پرسیدم: «از کجا می‌آید؟» یکی از دخترهای جوان که روسری حریرش را چندبار دور سرش پیچیده بود، گفت: «میناب.»

تا این کلمه را شنیدم، یک قدم عقب رفتم؛ آنقدر که پشتم به ستون سنگی ایوان خورد. خودم را به ستون چسباندم. اولین بار بود که در برابر آدم‌های سوگوار، قفل می‌کردم. نه حرفی برای گفتن داشتم، نه حتی واژه‌ای برای

خدا حافظی کردیم و از هم جدا شدیم.

کمی بعد، دستی روی شانه‌ام آمد، برگشتم. باز هم همان پیرزن بود با چشمانی که تا لحظاتی پیش خشک بود و حالا تر شده بود، گفت: «به چی می‌خواستم بهت بگم مادر. برآم... وقتی دختر جوونش رو گذاشت در خاک ضجه زد. فقط وایساد و نگاه کرد، اما وقتی خبر شهادت آقا رو بهش دادن تا صبح ضجه زد.» مکشی کرد. صدایش به‌سختی از گلویش بیرون می‌آمد: «داغ جوون سخته مادر، ولی داغ آقا، برامون مثل داغ هزار تا جوون بود.»

«خونده روایت‌های رسانه‌ی KHAMENEI.IR از ماجراهای حضور مردم در کنار مزار نورانی رهبر شهید انقلاب در رواق دارالذکر حرم مطهر علی‌بن موسی‌الرضا(ع)

